

صبح امید

ماهنامه فرهنگی رایزنی فرهنگی
جمهوری اسلامی ایران در آلمان

مدیرمسئول و سردبیر:
دکتر همايون همتی

مدیر اجرایی:
سید روح اله حسنی

با همکاری هیات تحریریه رایزنی
فرهنگی

انتشار از طریق وب سایت رایزنی
فرهنگی جمهوری اسلامی ایران
در آلمان

Kulturabteilung
der Botschaft der Islamischen
Republik Iran Berlin
Drakestr 3, 12205 Berlin
www.irankultur.com
E-Mail info@irankultur.com

پیشگفتار سردبیر

آمد بهار خرم با رنگ و بوی طیب
باران مشکبوی ببارید نو به نو
اکنون خورید باده و اکنون زبید شاد

با صد هزار نزهت و آرایش عجیب
وز برف بر کشید یکی حله قصیب
کاکنون برد نصیب حبیب از بر حبیب
«رودکی»

بار دیگر فصل بهار فرا رسیده است و طبیعت جامعه نو در بر کرده است. با آمدن بهار طبیعت جانی دوباره می گیرد و خرمی و طراوت بر پهنه گیتی سایه افکن می شود. آمدن بهار طلایه دار عید نوروز برای ایرانیان و فارسی زبانان است. چه رسوخ عید نوروز در ادبیات فارسی و متون کهن زبان فارسی امری کهن و تردید ناپذیر است و هر جا که این زبان رفته است این مفاهیم را نیز با خود برده است. ایرانیان از دیر باز بهار را جشن می گرفتند و اسلام که به سرزمین ما پا نهاد. نوروز را جان و رمقی تازه بخشید و به آن سمت و سویی معنوی، روحانی و دینی داد تا این مناسبت فرخنده فرصتی باشد برای یاد کرد پروردگار و نیز شستشوی جان در چشمه زلال یاد حضرت دوست. عارفان و شاعران و ادیبان فارسی زبان در باره نوروز و بهار فراوان سخن گفته اند. از قصیده های نقر آنوری، فرخی، عسجدی، منوچهری تا ملک الشعرای بهار، نیما یوشیج، شهریار، امیری فیروزکوهی، اخوان ثالث و دیگر سرایندهگان نقر گوی توانای دیار ما به شیوه های گونه گون بهار را سروده اند. عید نوروز یادآور رستاخیز بزرگ عالم هستی است. نوعی قیامت است. یعنی تحولی درونی و ژرف در طبیعت و موجودات است. رویش و زایش دوباره طبیعت پیام از تولد دوباره انسان دارد. آدمی موجودی است که در بستر طبیعت می زاید، می زبید و می میرد. او نیز بهار و خزان دارد. مولانا چه خوش گفته است:

ای برادر عقل یک دم با خود آر دم به دم در تو خزان است و بهار!

دل آدمی نیز خزان و بهار دارد. گاه اسیر قبض و کدورت است و گاه بسط و سرور و ابتهاج بر او فرو می ریزد و این همان تعبیر "تجلیات جلالی و جمالی" است که در عرفان اسلامی ایرانی ریشه ای عمیق و ستبر دارد. امید است در بهار طبیعت جانها نیز بهاری شود و دلهای مؤمنان نیز با نظر عنایت حضرت حق شکفته و شادان گردد. خداوند را به خاصان و مقربان او سوگند می دهیم که این بهار را فصل شکوفایی، نوشوندگی، زایش و رویش دوباره برای ما قرار دهد و همانگونه که چاووش بیدار نظام، رهبر معظم (دام ظلّه) فرموده اند، سالی سرشار از "شکوفایی و نوآوری" پیش رو داشته باشیم و ایرانیان در هر جا با عزم و صلابت و سخت کوشی و پشتکار کمر همت بر بندند تا سال شکوفایی و نوآوری را رقم بزنند و شاهد ایرانی سرفراز و آبادان باشیم که مردم ما و مرز و بوم کهن و ریشه دار ما شایسته چنین درخشندگی و پیشرفتی هستند.

سردبیر

در این همایش باشکوه میلاد پیامبر اکرم (ص) و حضرت صادق (ع)، هفته ی وحدت، سالروز تأسیس جمهوری اسلامی ایران، عید نوروز و عید پاک مسیحیان برگزار گردید، تنی چند از شخصیت های علمی، فرهنگی از جمله پروفیسور «پتر شولاتور» (Peter Scholl-Latour)، از معروفترین چهره های عرصه ی روزنامه نگاری آلمان و صاحب تألیفات فراوان در زمینه های سیاسی و اجتماعی شرکت داشتند.

این همایش با قرائت آیاتی از قرآن مجید توسط استاد حسن صادقی آغاز شد و پس از آن پروفیسور همایون همتی رایزن فرهنگی کشورمان متنی را در خوشامد گویی و بیان اهداف و مناسبت های کنفرانس برای حضار قرائت کردند، که سخنان ایشان برای استفاده ی حضار آلمانی زبان، توسط یکی از همکاران رایزنی فرهنگی، به صورت همزمان به زبان آلمانی ترجمه گردید.

سپس آقای «عصمت میصیر اوغلو» رییس شاخه ی برلین «سازمان امداد اسلامی» (Islamic Relief) پشت تریبون قرار گرفتند و سخنان موجزی را به زبان آلمانی در خصوص لزوم همبستگی مسلمان کلیه ی فرق اسلامی و حرکت در جهت یاری رساندن به مردم نیازمند جهان ابراز



نمودند.

همایش باشکوه میلاد پیامبر اکرم (ص) و وحدت اسلامی در برلین

رایزنی فرهنگی کشورمان در برلین، روز دوازدهم فروردین مصادف با سالگرد تأسیس نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران، همایش پرشکوهی را با حضور فرهیختگان ایرانی، آلمانی، عرب، ترک، بوسنیایی و اتباع برخی دیگر از کشورها در سالن «میسترزال» (Meistersaal) برلین برگزار کرد.



فکری مسلمانان را تشکیل می دهند. ایشان به اهانت های اخیر در بعضی از کشورهای اروپایی نسبت به پیامبر اعظم (ص) اشاره کرده و قاطعانه آن را عملی زشت، خلاف اخلاق و شئون انسانی اعلام کردند و تقاضای مبارزه ی روشنفکران، عالمان دینی، اهالی مطبوعات و فرهنگ و پیروان همه ی ادیان با اینگونه توهین ها شدند.

پس از سخنرانی پروفیسور همتی، گروه موسیقی اصیل ایرانی «راز و نیاز» به سرپرستی آقای «میر سالار عقیلی» و همراهی همسرشان بانو «حریر شریعت زاده» و آقای «بهزاد روافی» قطعات متنوعی از موسیقی و آواز را برای حضاران اجرا کردند که مورد استقبال چشمگیر آنان واقع شد.

در خاتمه ی برنامه نیز با شام گرم ایرانی از حضار پذیرایی بعمل آمد.

متن کامل سخنرانی رایزن به انگلیسی در قالب مقاله ای مستقل به زودی روی سایت قرار خواهد گرفت، ولی سخنان کوتاه ایشان در آغاز برنامه و خیر مقدم به میهمانان در اینجا ذکر می شود.

جشن بزرگ ایرانیان در برلین

رایزنی فرهنگی کشورمان در آلمان در روز ۱۲ فروردین ۸۷، جشن بزرگی را به مناسبت های: میلاد پیامبر عظیم الشان اسلام (ص) و ولادت مسعود حضرت صادق (ع)، هفته ی وحدت، عید سعید باستانی نوروز و روز طبیعت، برای ایرانیان مقیم برلین برگزار کرد.

در این مراسم که در سالن «فُر ایکس» (For X) برلین برگزار گردید، بالغ بر ۱۸۰ تن از هموطنانمان و نیز تنی چند از فارسی زبانان غیر ایرانی و همچنین علاقمندان به فرهنگ و تمدن کشور عزیزمان شرکت کردند.

پس از آن «پاستور بتمبه» رییس کلیسای آفریقایی «وحدت ادیان مسیحی برلین» به ایراد سخن پرداختند و بر لزوم پاسداری از حرمت پیامبران الهی و بهره وری هرچه بیشتر از پیام آنان، که همانا تربیت انسان ها و زمینه سازی رشد و سعادت آنان است، تأکید ورزیدند.

سپس رایزن فرهنگی کشورمان سخنرانی کردند. پروفیسور همتی در سخنرانی خویش که به زبان انگلیسی انجام می شد حول سه محور:

بیانات قرآن مجید و پیامبر اکرم (ص) درباره ی جنگ

چرایی خشونت گرا تصویر شدن شخص نبی اکرم (ص) در منابع غربی و علل پشت پرده ی اینگونه تصویر سازی ها از نبی رحمت (ص)

و نهایتاً در خصوص ضرورت تلاش اندیشمندان اسلامی برای تصحیح برداشت های غلط و ارائه ی دیدگاه های درست از اسلام و پیامبر گرامی آن سخن گفتند.

رایزن فرهنگی کشورمان بر لزوم و شناساندن هرچه صحیح تر اسلام و شخص نبی اکرم (ص) و پالایش آنچه که نوع مستشرقان درباره ی اسلام بیان داشته اند تأکید ورزیدند. رایزن فرهنگی کشورمان با بیان شاهد مثال هایی از کتب اندیشمندان و اسلام شناسان غربی به بیان نقاط ضعف و قوت هر یک پرداخت و بی اعتباری و سست بنیانی نویسندگانی را که مغرضانه و یا بسیار ناشیانه آیات قرآن کریم و برهه هایی از تاریخ اسلام را مورد نقد بی اساس قرار داده اند، به اثبات رساندند.

پروفیسور همتی با بیان آیات ۴۰ و ۴۲ از سوره ی مبارکه ی حج در بیان لزوم دفاع از انسان هایی که به جرم تبعیت از پروردگار عالمیان از خانه و کاشانه ی خویش رانده شده اند و اینکه نصرت الهی شامل حال کسانی خواهد شد که دین خدا را یاری می کنند اظهار داشتند، که جنگ های اسلامی همگی یا دفاعی بودند و یا در مقام متنبه ساختن کسانی که پیمان شکنی کردند و برغم داشتن میثاق رسمی با مسلمانان، در مواقع مقتضی و حساس دسیسه کردند و با دشمنان اسلام ساختند و بر مسلمانان تاختند انجام شده است، فلذا تصویر خشونت گرا و یا تروریست بودن دین اسلام از اساس مردود، غیر واقعی و دقیقاً خلاف آموزه های قرآن کریم و سیره ی نبوی (ع) و ائمه ی هدی (ع) است، که اصیل ترین منبع

ورزان رسوا و خوار می کنند. تلاش های اینان گرچه کوفتن هرچه بیشتر بر طبل رسوایی خویش است، اما عموم مسلمانان، بویژه اندیشمندان و فرهیختگان آنان در این میان مکلفند، تا با شیوه های علمی و فرهنگی، بی پایگی هرزه دری های اینان را برای طالبان حق و حقیقت روشن و مستدل نمایند، از حریم قدس الهی دفاع کنند و از این رهگذر دین خود را به مقام دیانت و علم و نیز به جامعه ی بشری به انجام رسانند».

پروفسور همتی با تأکید بر لزوم حفظ وحدت میان پیروان کلیه ی فرق اسلامی و نیز همبستگی و وحدت میان رهروان ادیان الهی در برابر جبهه ی الحاد و ماده پرستی، خواستار تلاش علمی و فرهنگی هر چه بیشتر دانشمندان و متفکران مسلمان بر معرفی اسلام اصیل و بی پیرایه، از طریق مشارکت در کنفرانس های علمی و عقیدتی، دیالوگ ادیان و نیز تألیف و ترجمه ی کتب و آثار علمای اسلامی شدند، تا از این طرف هم یاره سرایی های مغرضان پاسخ های درخور یابد و هم روح های تشنه ی حقیقت و معرفت، از سرچشمه ی گوارا سیراب شوند و جان خویش را با زلال حقایق قرآن بالنده سازند. ایشان با تأکید بر نقش بسزای ادیان الهی در طول تاریخ برای راهنمایی انسان ها و نجات آنان از گمراهی ها اظهار داشتند: «به اعتراف بزرگان عرصه ی اندیشه در غرب نظیر پروفسور هانس کونگ، حقوق بشر، انسان گرایی و واژه ها و مفاهیمی از این دست، بدون بهره وری مکاتب و فلسفه های بشری از ادیان الهی اصولاً غیر قابل تصور است، فلذا آن دسته از پیروان مکاتب غیر الهی که دل در گرو کرامت انسان و ارزش هایی نظیر برابری انسان ها و عدالت دارند، بر این حقیقت واقفند و از این رو خویش را مرهون انبیاء می دانند. با این حال چگونه برخی بوالهوسان هیچ حریمی را پاس نمی دارند، ابلهانه دیگران و مقدسات آنان را به سخره می گیرند و نام این بیخردی را آزادی بیان و قلم می گذارند؟ آیا زمان آن نرسیده که توسط کمیته ای علمی و بین المللی حد و مرز و

این جشن باشکوه با تلاوت آیاتی از کلام الله مجید توسط جناب آقای صادقی، قاری ممتاز و بین المللی قرآن کریم آغاز شد و سپس پروفسور همتی، رایزن فرهنگی کشورمان در آلمان به ایراد سخن پرداختند.



پروفسور همتی با تشریح مقام

والای پیامبران، بویژه حضرت ختمی مرتبت حضرت محمد مصطفی (ص) و حضرت صادق آل محمد (ع) و تلاش های پیگیر آن بزرگواران برای هدایت جامعه ی بشری و نیل انسان ها به مقام محمود و ایجاد جامعه ای مملو از صفا، صمیمیت، یکتاپرستی و نفی طواغیت و بهره کشی انسان ها از یکدیگر، بر لزوم ادامه راه انبیاء (ع)، بویژه خاتم پیامبران (ص) و ائمه ی هدی (ع) این رهبران حقیقی انسان ها بسوی تکامل و بالندگی استعدادهای ابناء بشر تأکید ورزیدند و با محکوم کردن اعمال عنودان و جحودانی که هر از چند یکبار با پرده دری و اهانت به ساحت پیامبر اکرم (ص) و اسلام عزیز، کلیه ی مسلمانان را هدف تیرهای زهرآگین خویش قرار می دهند و عالمانه و عامدانه در جهت ایجاد تفرقه و دشمنی میان رهروان ادیان گوناگون عمل می کنند، اظهار داشتند: «حب محمد و آل محمد (ص) قرن هاست که در دل پیروان این بزرگواران ریشه دوانده و امت اسلامی در طول صدها سال از نزول وحی بر قلب نازنین رسول گرامی اسلام (ص) با خون دل از آن جناب و دین خدا حمایت کرده و تا قیام قیامت هم خواهد کرد و بانیان فتنه و تفرقه انگیزان بی خرد، با به سخره گرفتن پیامبر رحمت و فرزاندگی (ص) و با تلاش برای ضربه زدن به اسلام، خود را بیش از پیش نزد مسلمانان، خردمندان، عدالت طلبان و اندیشه

الهی جلوگیری بعمل آورند، اما زهی خیال باطل! کیست که مختصر آشنایی با تاریخ چند صد سال گذشته و نیز تاریخ معاصر داشته باشد و عکس این را قضاوت نکند؟ کیست که حکایت جنگ های صلیبی و وحشی گری های افراطیون مسیحی را حتی از زبان تاریخ نگاران غربی خوانده باشد و در تشخیص خشونت و خشونت پرور ذره ای به خطا رفته باشد و بر مسیبان این همه شقاوت و سنگدلی، این مظاهر خشونت و ستمگری لعن نفرستاده باشد؟ کیست که از قساوت صربها در دریدن شکم زنان باردار مسلمان و سربریدن اطفال آنان را در همین اروپای قرن بیستم و دهه ی ۹۰ میلادی که به نام مسیحیت و پاکسازی اروپا از مسلمانان، که زیر گوش امثال همین «ویلدرز» بوقوع می پیوست آگاه شده باشد و در تشخیص این مجسمه های بیرحمی و ناجوانمردی، که صرفاً ماسک فریبنده ی صلح طلبی را پدک می کشند، حتی اندکی دچار تردید شده باشد و بر این همه ناجوانمردی و حیوان صفتی نفرین نثار نکرده باشد؟

گوش های امثال «ویلدرز» برای شنیدن این حقایق کر و چشمهایشان برای دیدن این واقعیات کور است. قلم شکسته و زبان هرزه در اینان صرفاً این هنر را دارد که نصفه نیمه مسائلی را از اسلام عزیز بازگو کنند تا بدینوسیله اذهان را مشوش نمایند.

در نمایش مضحک و باصطلاح مستندی که مشارالیه تحت عنوان فیلم فتنه- که انصافاً باید اذعان کرد نام برازنده ای دارد و هدف سازنده اش را به درستی و صراحت تمام بازگو می نماید- ارائه داده، اصول و سندیت تمام مواردی که وی بازگو می کند زیر سؤال است؛ بعنوان مثال هیچگاه سخن از این نیست که امثال «بنی قریظه»، «بنی قینقاع» و یا «بنی النضیر» برغم داشتن پیمان عدم تعدی و تجاوز با مسلمانان، با مشرکان و بت پرستان همدست شدند و بر مسلمانان تاختند، اما پاسخ دندان شکن مسلمانان به آن فتنه آفرینان که اخلاف همین «فتنه» آفریناند، بزرگ نمایی و باصطلاح آگرانديسمان می شود و به خورد مردم بی خبر داده می شود، زهی بی شرمی و بی انصافی!

آیا آیه ی ۶۰ سوره ی مبارکه ی انفال که «ویلدرز» در ابتدای فیلم کوتاهش ذکر می کند یعنی آیه ی معروف: «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه و من رباط الخیل ترهبون به عدو الله و عدوکم و آخرین من دونهم لا تعلمونهم الله يعلمهم و ما تنفقوا من شیء فی سبیل الله یوف الیکم و انتم لا تظلمون» یعنی: «به میزان توان خویش از نیرو و اسبان بسته در مقابل ایشان آماده کنید تا بدینوسیله دشمن خدا و دشمن خویش و دیگرانی را که نمی شناسید و خدا آنها را می شناسد به واهمه بیفکنید و آنچه در راه خدا می دهید به شما بازپرداخت می شود و مورد ستم واقع نمی

چهارجویی برای زبان و قلم تعیین شود و همانگونه که زندگانی اجتماعی و همزیستی مسالمت آمیز ابناء بشر با یکدیگر تابع قانون و مقررات است، راندن قلم بر صفحه کاغذ و به حرکت درآوردن زبان نیز مهار شود و تحت کنترل اندیشمندان و عقلاء جهان درآید و از این افسار گسیختگی و نابسامانی رهایی یابد و منابع ایجاد فتنه، چند دستگی، آشوب اجازه ی هرزه دری نیابند؟»

پس از سخنرانی رایزن فرهنگی کشورمان، گروه «راز و نیاز» به سرپرستی آقای «میر سالار عقیلی» و همراهی همسرشان بانو «حریر شریعت زاده» و آقای «بهزاد رواقی» قطعات متنوعی از موسیقی اصیل ایرانی را اجرا کردند.

برنامه های ۱۳ فروردین که در قالب «جشن بزرگ ایرانیان» برای هموطنان مقیم برلین به اجرا درآمد، مورد استقبال گرم آنان قرار گرفت، به نحوی که بارها از رایزن فرهنگی کشورمان، مجریان، گردانندگان و دست اندرکاران آن تقدیر و تشکر صمیمانه بعمل آوردند.

پاسخی به فتنه آفرین هلندی

«گیرت ویلدرز» (Geert Wilders) سیاست مدار و نماینده ی مجلس هلند در سال جدید میلادی بر آتش فتنه های مذهبی موجود دامن زد و با قدم گذاشتن در عرصه ای که قد و قامت وی اصولاً برای آن عرصه تعریف نشده، موهوماتی بنام فیلم «فتنه» (Fitna) را سر هم کرد، تا در راستای انجام مأموریت انسان دوستانه اش برای ایجاد تفاهم هرچه بیشتر در میان ابناء بشر و ممانعت از بروز آشوب ها و تفرقه های مذهبی گامی در حد وسیع ناچیز خویش برداشته باشد!

پیشتر از او اسلافش نیز بسیار کوشیدند تا اسلام را دینی خشن جلوه دهند، تا شاید بدین ترتیب و به زعم باطل خویش از گسترش همه جانبه و مستمر این دین

از باب نمونه مطرح ساختیم، تنها این پرسش را مطرح می‌سازیم که عمل «ویلدرز» یعنی تحریف و قلب آیات قرآن کریم، آیا نامی جز ناجوانمردی و خیانت به بشریت دارد؟

آقای «ویلدرز» در کجای تاریخ اسلام سراغ دارد که مسلمانان پیمان شکسته باشند؟ وی طبق چه ملاکی تروریست‌هایی نظیر «القاعده» و «اسامه بن لادن» را که مستقیماً توسط «بوش پدر» وارد جهان سیاست شدند، نماینده‌ی اسلام و مسلمانی می‌داند؟ این باصطلاح مستند ساز چرا فیلم مستندی در مورد تاریخ تأسیس «القاعده» و کمک‌های میلیون دلاری رییس‌جمهور وقت آمریکا به رهبران آن نمی‌سازد؟ آیا تاجال به این صرافت نیفتاده و یا مأموریت دیگری دارد؟ اگر این «فتنه گر» در پی کشف حقیقت اسلام است، کافی است صرفاً تاریخ واقعی اسلام را مرور کند، تا شاید به معجزه‌ی الهی نوری به مغز علیلش بتابد و درک کند که تاریخ اسلام و بویژه تاریخ زندگانی اشرف مخلوقات حضرت ختمی مرتبت محمد مصطفی (ص) سراسر رحمت، ایثار و از خود گذشتگی است و درگیری‌هایی هم که در زمان ایشان پدید آمده، صرفاً تدافعی بوده‌اند. بلی اسلام عزیز مسلمانان را نه تنها مجاز بلکه ملزم به دفاع از خود، کشور و نوامیسشان می‌داند و تئوری برگرداندن طرف راست چهره در صورت خوردن سیلی به طرف چپ (که واقعا هم توسط افراطیون مسیحی در طول تاریخ و نیز به هنگام موشک باران و بمباران افغانستان و عراق صد در صد اجرا شده و می‌شود!)، یک نظریه‌ی پوچ، ظالم پرور و صرفاً ابزاری در دست غاصبان ستمگر است و از دیدگاه اسلام اصیل از اساس مردود و باطل است.

آیا «ویلدرز» از برخورد پیامبر بزرگوار اسلام (ص) با مردم مکه که ۱۳ سال تمام ایشان را اذیت و آزار کردند، در صدد ترورش برآمدند، عزیزانش را کشتند و یارانش را به بند کشیدند و شکنجه کردند آگاه است؟ آیا می‌داند که پاسخ پیامبر اکرم (ص) پس از پیروزی قاطع بر مردم مکه چه بود، کلامان را با بیان گوشه‌ای از تاریخ فتح مکه و برخورد رسول مکرم اسلام (ص) با مردم خیانتکار مکه به پایان می‌بریم، باشد که پیشکشی برای حق طلبان عالم و سرنخی برای پژوهشگران بی‌غرض، که در پی کشف حقیقت هستند باشد، تا بیش از پیش معلوم شود که خشونت طلبان کیانند و فتنه‌گران چه کسانی هستند.

مکرر شنیده می‌شود که می‌گویند اسلام به زور شمشیر گسترش یافته و شبیه افکنان بدین ترتیب قصد القاء این مطلب را دارند که مسلمانان غیر عرب و حتی بسیاری از اعراب از جمله اهالی مکه، از ترس شمشیر اسلام را پذیرفتند و به اجبار مسلمان شدند.

شوید»، آیا مسلمانان را صرفاً به آمادگی دفاعی در برابر دشمنان تشویق می‌کند تا دشمنان با دیدن این آمادگی، اندیشه‌ی حمله به مسلمانان را از سر دور سازند و بدین وسیله موجبات جنگ و آشوب از میان برداشته شود، تشویق به تروریسم است و یا مهیا ساختن مقدمات صلح پایدار؟

آیا صرف نشان دادن تصاویر ۱۱ سپتامبر و محکوم کردن مسلمانان، با وجود تمام شواهد موجود بر پیش ساخته بودن این تئاتر و نسبت دادن آن به مسلمانان، نهایت کینه‌ی کور وی را علیه اسلام نشان نمی‌دهد؟ اگر مسبب ۱۱ سپتامبر «بن لادن» و «القاعده» هستند، چرا رییس‌جمهور وقت آمریکا (بوش پدر) محاکمه نمی‌شود، که با کمک‌های مالی و بی‌دریغ خود این سازمان را راه اندازی کرد و به جان بشریت انداخت؟

آیا آیه‌ی ۵۶ از سوره‌ی نساء که «ویلدرز» متعاقب آیه‌ی قبلی مطرح می‌کند، اصولاً ارتباطی به این دنیای خاکی دارد؟ زهی بی‌سوادی! ما صرفاً آیه‌ی مورد استناد این مستند ساز! را در این مقال ذکر می‌کنیم تا خوانندگان گرمای خود قضاوت کنند. خدای تعالی در این آیه می‌فرماید: «ان الذین کفروا بآیاتنا سوف نصلیهم نارا كلما نضجت جلودهم بدلناهم جلودا غیرها لیذوقوا العذاب ان الله کان عزیزا حکیماً» یعنی: «مسلمانا بزودی به آنان که به نشانه‌های ما کفر ورزیدند و حق را پوشاندند آتش را می‌چشانیم. هرگاه پوست‌هایشان گداخته شود، پوست‌های دیگری را برایشان جایگزین می‌سازیم تا عذاب الهی را بچشند. به درستی که خداوند عزتمند و حکیم است». این آیه به عذاب کافران و پوشانندگان حق (نظیر فتنه‌گران پوشاننده‌ی حق) در قیامت اشاره دارد و کوچکترین ارتباطی با دنیای فعلی ندارد. این آیه‌ی شریفه اتفاقاً خود از معجزات علمی قرآن کریم محسوب می‌شود، زیرا اهل فن می‌دانند که اعصاب حسی زیر پوست قرار دارند و با از میان رفتن پوست به لحاظ سوختن، شخص دیگر دردی را احساس نمی‌کند، به همین خاطر اگر از کسانی که به نحوی دچار سوختگی عمیق شده‌اند پرسیده شود اوج درد را چه زمانی احساس کرده‌اند بی‌شک خواهند گفت در ابتدای آتش گرفتن و پس از سوختن پوست درد آنان یا بسیار کمتر شده و یا به لحاظ از میان رفتن اعصاب اصولاً دردی را احساس نکرده‌اند. این بحث ظریف علمی-پزشکی را قرآن کریم ۱۴۰۰ سال پیش مطرح می‌کند، زمانی که کسی از آناتومی انسان کوچکترین اطلاعی نداشت و اسلاف جناب «ویلدرز» هم در توحش و بربریت محض به سر می‌بردند.

در این مجال بر آن نیستیم که جزء به جزء موارد سخیف مطرح شده در نمایش مضحک «ویلدرز» را به نقد بکشیم که ارزش این را هم ندارد و موارد فوق را نیز صرفاً

در این شعب به سوک همسر مهریانش خدیجه ی کبری (س) نشست و عموی بزرگوارش ابیطالب هم که پشتیبان و حامی بزرگ او بود در این فاصله از دنیا رفت. اهالی مکه به این می اندیشیدند که چهل نفر را از چهل قبیله ی مکه [3] برگزیدند تا شبانه به خانه اش هجوم برند و خونش را بریزند و مردانگی و فداکاری امیر مؤمنان علی علیه السلام که در بستر پیامبر (ص) خوابید و مرگ را به جان خرید، جان رسول خدا را نجات داد. به این می اندیشیدند که «وحشی» غلام هند همسر ابوسفیان سرکرده ی مکیان، حمزه عموی گرامی پیامبر را طی یک اقدام تروریستی هدف نیزه قرار داده و کشته بود و سپس شکمش را دریده و جگرش را بیرون آورده و به همسر ابوسفیان تقدیم کرده بود و او نیز جگر حمزه را به دندان گرفته بود. به سببهای خود می اندیشیدند، به این می اندیشیدند که چگونه سمیه و یاسر را به جرم مسلمانی بی رحمانه شکنجه کردند و زیر شکنجه به شهادت رساندند. به ناسزاهایی که به پیامبر گفته بودند می اندیشیدند، به اینکه مرتب بر سر راهش خار و بر سرش خاکستر می ریختند و حتی شکمبه ی اشتر بر سر مبارکش خالی کردند و...

سزای اینهمه نامردمی، دناوت و پستی چه بود؟ و اینک برای این قوم ستمگر درمانده و شکست خورده ی بی یار و یاور، نه از لات و منات و هبل [4] کاری ساخته بود و نه اینان توان گریز داشتند، مانند موشی به پنجه سپاه اسلام افتاده بودند و از وحشت در حال تهی کردن قالب بودند. چه سرنوشتی در انتظارشان بود. آرزو می کردند که کاش پیشتر از این مرده بودند و اینگونه به ذلت و درماندگی نمی افتادند.

در این میان شعار سپاه اسلام نیز وحشت آنان را مضاعف کرد: «الیوم یوم الملحمه، الیوم تستحل الحرمه» «امروز روز انتقام است، امروز روزی است که جان و مال شما حلال می شود». وای چه سرنوشت شومی، آیا راه نجاتی هست؟

مردم مکه همچنان دچار آشوبهای فکری خود بودند که دیدند فرمانده ی سپاهی که شعار انتقام سر می داد عوض شد و شعار نیز بدینگونه تغییر یافت: «الیوم یوم المرحمه» «امروز روز بخشایش است». موضوع چه بود؟ بلی پیامبر رحمت با شنیدن شعار انتقام از جانب جمعی از سپاهیان بلادرنگ فرمانده آنان را عزل فرموده بود و دستور داده بود تا شعار «امروز روز بخشایش است» را جایگزین آن شعار نمایند. ایشان حتی به این نیز اکتفاء نکردند و خطاب به آن مردم مشوش و پریشان فرمودند:

این مدعا را حتی برخی مورخان مسلمان نیز که از منابع غیر اصیل بهره گرفته اند یاری نموده اند و بهتر بگوییم با نقل اسرائیلیات و وقایعی که بعضا به هیچ عنوان وجود نداشته، منشاء کج فهمی و غرض ورزی مستشرقان و خاورشناسان شده اند [1].

در این مورد و برای اثبات این امر که اسلام دین رحمت، لطف، ایثار و از خود گذشتگی است و میزان دافعه و به کار گیری قوه ی قهریه در این دین الهی در مقایسه با رأفت و مهربانی موجود در آن بسیار اندک [2] است، ذیلا بخشی از تاریخ اسلام را، که بیانگر «فتح مکه» توسط سپاه اسلام است نقل می کنیم؛ باشد که سرنخی برای پژوهشگران اندیشمند و جویندگان حق و حقیقت باشد، تا این ملاک را همیشه نصب العین خود قرار دهند که برای فهمیدن هر دین، مرام و مکتبی، آنرا باید در مدارک و منابع اصیل و مورد وثوق جستجو کنند.

«... شما مردم همشهریان بسیار نامناسبی بودید. رسالت مرا تکذیب کردید و مرا از خانه ام بیرون راندید. حتی در دورترین نقطه که من بدانجا پناهنده شده بودم دست از سرم برداشدید و به جنگ من آمدید. اما من با وجود تمام این جرائم شما را می بخشم و بند بردگی و ذلت را از پای شما باز می کنم و اعلام می نمایم: بروید که شما آزاد شدگانید».

این سخنان نبی رحمت محمد مصطفی (ص) بود و آنهم پس از پیروزی قاطع بر اهالی مکه و تصرف کامل و بی چون و چرای آن شهر.

پیشتر مردم مکه با دیدن انبوه سپاهیان اسلام و یادآوری جنایات و بیرحمی های خود در حق پیامبر و یارانش به یکدیگر می گفتند: او لابد همه ی ما را از دم تیغ خواهد گذراند و یا دستکم گروهی از ما را می کشد و عده ای را بازداشت می کند و زنان و کودکانمان را جملگی به اسارت خواهد برد.

صد البته افکار و سخنان مردم مکه بیراه نبود، این عادی ترین روشی بود که در میان اعراب آن روزگار جریان داشت. با غلبه ی یک گروه بر گروه دیگر، تمام این وقایع اتفاق می افتاد و تاریخ استثنائی را در این خصوص ثبت نکرده است.

مردم مکه همچنان در اضطراب از بدکاریها و جفاهای خود در حق پیامبر بودند، اینکه مجنون و شاعرش خواندند، اینکه سه سال در شعب ابیطالب در محاصره اش قرار دادند و زندگانی را بر وی و یارانش تنگ کردند تا دست از ایمانشان بردارند و پیامبر

هزار نیروی رزمنده ی مسلمان، دمی دست از عداوت، خصومت و توطئه علیه شخص پیامبر و مسلمانان برداشته بود، از جانب پیامبر امان یافت و حتی خانه اش خانه ی امن اعلام شد.

نگارنده این وقایع را که قریب به ۱۴۰۰ سال پیش، در میان مردمی که پیش از اسلام قتل، غارت و خونریزی افتخار آنان محسوب می شد و به برکت اسلام از حیض ذلت و ددمنشی به اوج انسانیت و آزادگی رسیده بودند، با عملکرد سردمداران سیاست جهانی در قرن بیست و یکم مقایسه می کند، که نیروهای تحت امرشان به صرف تردید در حضور یک تروریست در یک روستا، کل آن روستا را با ساکنانش (در افغانستان) بمباران می کنند و یا به بهانه و تلافی ربوده شدن یک سربازشان خانه های مسکونی مردم را (در جنوب لبنان) آماج راکتها و موشکهای خود قرار می دهند و در کشتن زنان و کودکان خردسال درنگ نمی کنند و یا در ایستگاه متروی لندن به صرف مظنونیت شخصی را درجا با گلوله می کشند (حتی زخمی یا بازداشتش هم نمی کنند) و بعد وقیحانه اسلام را ارتجاعی و خشن و خود را مروج آزادی و دمکراسی می نامند و اینجاست که مطمئن می شود که دیگر مظهر پررویی و وقاحت سنگ پای فروین نیست! و این شیئی بینوا در مقایسه با این مجسمه های وقاحت و گستاخی مدتهاست از مد افتاده و تنزل مقام چشمگیری یافته است.

جریان فتح مکه بزرگترین جنگ و لشکر کشی مسلمانان در صدر اسلام بود و در طی آن، به غیر از تعداد معدودی کشته که شاید به ۱۵ نفر هم نرسیدند و آنان نیز کسانی بودند که به مقابله ی مسلحانه با سپاه اسلام پرداخته بودند، خون از دماغ کسی جاری نشد.

ملاک ارزیابی جنگهای اسلامی اینگونه جنگها است و کشورگشایی هایی که در زمان خلفاء و یا قرنهای بعد توسط امپراتوریهای نظیر عثمانی، صورت گرفت، هیچگاه برای اهل فن ملاک و معیار جنگهای اسلامی محسوب نشده و نمی شوند. قرآن کریم میزان را شخص رسول اکرم (ص) می داند، فلذا جنگهایی که در زمان آن وجود نازنین و با تأیید ایشان صورت گرفت اعم از غزوات و سراپا[8] میزان و ملاک سنجش و قضاوت است؛ همچنین ملاک و میزان عملکرد و گفتار انوار تابناکی است که قرآن کریم مهر تأیید بر عصمت آنان زده و آنان را از هرگونه رجس و پلیدی مبرا خوانده است[9]، که این مقوله مجال و فرصت مناسبتری را برای بحث گسترده تر می طلبد.

«ماذا تقولون و ماذا تظنون؟» «چه می گوید و چگونه می اندیشید؟» و این مردم به یاد آوردند که در پاسخ آنهمه ناجوانمردی حتی یکبار نیز دشنام یا نفرینی نیز از محمد نشنیده اند و جز مهربانی، دعای خیر، آرزوی هدایت، لبخند پدران و از جان و مال مایه گذاشتن در راه دعوت به خداپرستی و ترک عبودیت بتها، چیزی از او در خاطر ندارند، فلذا یکصدا با صداهای لرزان و شکسته گفتند: «ما جز خوبی و نیکی چیزی از تو به یاد نداریم. تو را برادر بزرگوار خویش و فرزند برادر بزرگوار خویش می دانیم». رسول خدا نیز در پاسخ آنان آیه ای از قرآن کریم را تلاوت کرد و این آیه پاسخ یوسف (ع) به عذر تقصیر برادرانش بود: «لا تثریب علیکم الیوم یغفرالله لکم و هو ارحم الراحمین[5]» «امروز بر شما حتی ملامتی هم نیست، خداوند گناهانتان را می آمرزد و او بخشاینده ترین بخشایندهگان است»[6].

سخنان ملاطفت آمیز پیامبر اکرم و آیه ی تسلی بخش قرآن کریم صحنه را عوض کرد. بلی کسی به آنان وعده ی بخشش و مغفرت می داد که حتی دشمنانش نیز در صداقت و امانتداری او تردید نداشتند. وای که دیگر چگونه این مردم توان نگاه کردن به آن رخسار کریم را داشتند، آرزو می کردند تا دل زمین می شکافت و همه شان را به قعر خود می کشاند تا بیشتر شرمنده ی آنهمه سخاوت و بزرگواری نباشند. آیا راهی بود تا این مردم ثابت کنند که از گذشته ها پشیمانند و اینکه نشان دهند که قلبهایشان آماج تیرهای محبت، گذشت و بزرگواری پیامبر قرار گرفته است؟

پیشتر از این حشمت و شکوه لشکر اسلام آنچنان «ابوسفیان» سرکرده ی مکیان را مرعوب خود ساخت که خطاب به عباس عموی پیامبر گفت: «هیچ قدرتی نمی تواند در برابر این نیروها (سپاهیان اسلام به هنگام تصرف مکه) مقاومت کند، سلطنت و ریاست برادرزاده ی تو خیلی اوج گرفته» و عباس نیز به وی پاسخ داد: «سرچشمه ی قدرت برادرزاده ی من نبوت و رسالتی است که از جانب خدا دارد و هیچگاه منحصر به قدرتهای ظاهری و مادی نمی شود».

و پیامبر رحمت (ص) به این دشمن خونی اسلام که در قرآن کریم از وی و خاندانش بعنوان «شجره ی ملعونه» نام برده شده نیز امان داد و حتی خانه ی او را خانه ی امن اعلام کرد. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «ابوسفیان می تواند به مردم اطمینان دهد که هرکس به محیط مسجد الحرام پناهنده شود و یا سلاح به زمین بگذارد و بی طرفی خود را اعلام کند و یا در خانه اش را ببندد و یا به خانه ی ابوسفیان (و بنا به نقلی خانه ی حکیم بن حزام) پناه ببرد از تعرض ارتش اسلام مصون خواهد ماند» [7]. بدین ترتیب ابوسفیان که ظرف ۲۰ سال از بدو ظهور اسلام در مکه تا آخرین لحظات سقوط آن شهر به دست سپاه اسلام در سال هشتم هجری توسط ۱۰

۲- و یا اصطلاحاً «کالمح فی الطعام» «مانند نمک در غذا» است.

۳- با این کار می خواستند قریش قبیله ی پیامبر را در مقابل عمل انجام شده قرار دهند، زیرا یک قبیله قدرت مقابله با چهل قبیله را نداشت و ناچار یا از خون پیامبر می گذشت یا در مقابله با آنان از میان می رفت و یا حداکثر به دریافت خون بها رضایت می داد. اما خدای متعال موضوع را طی وحی به اطلاع پیامبرش رساند و ایشان مأموریت یافت تا به پسر عم خود حضرت علی علیه السلام فرمان دهد که در بستر ایشان بخوابد و شمشیرهای چهل شمشیر زن را به جان بخرد. حضرت امیر نیز با کمال آرامش و اطمینان در بستر پیامبر آرمد و زمانی که چهل نفر مزدور به بستر حمله ور شدند از جا جهید و شمشیر از نیام برکشید و آنان با آنکه چهل تن بودند با دیدن اسدالله الغالب به وحشت افتادند.

۴- اسامی تعدادی از بتان معروف مستقر در کعبه بوده است.

۵- سوره ی یوسف آیات ۹۱ و ۹۲.

۶- نقل از مغازی واقدی جلد ۲ ص ۸۳۵ و بحار الانوار جلد ۲۱ صفحات ۱۰۷ و ۱۳۲.

۷- سیره ابن هشام، جلد ۲ ص ۴۰۴-۴۰۰؛ مجمع البیان، جلد ده ص ۵۵۴-۵۵۶؛ مغازی واقدی، جلد دوم، ص ۸۱۸-۸۱۶ و شرح نهج البلاغه ی ابن ابی الحدید، جلد ۱۷ ص ۲۶۸.

۸- غزوات که مفرد آن غزوه است جنگهایی را گویند که شخص پیامبر اکرم در آنها حضور داشت و سرایا که مفرد آن سریه می شود نیز پیکارهایی را نامند که به دستور پیامبر انجام شدند، اما شخص ایشان در آن مبارزات حضور نداشتند.

۹- «...انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا» یعنی: «بدرستی که خدای متعال اراده فرمود که رجس و پلیدی را از شما اهل بیت بردارد و شما را طاهر و پاکیزه بدارد، به کمال طهارت»، سوره ی احزاب آیه ی ۳۳.

۱۰- فتح اندلس و مسلمان شدن ظاهری مردم آن سامان و دست از اسلام برداشتنشان پس از مدتی و بازگشتنشان به آیین مسیحیت، رفتار خلفاء با مردم ایران و دسته بندی مسلمانان به عرب و عجم، موالی خواندن مسلمانان ایرانی و در واقع نگرش به آنان به چشم مسلمانان درجه دوم، حق گرفتن زن از میان

این نکته نیز بیشتر بدین لحاظ قید شد تا نه تنها محققان غیر مسلمان را به استفاده از معیارها و ملاکهای اصیل اسلامی ترغیب نماید، بلکه دوستانی را هم که نگارنده بارها از زبانشان با آب و تاب بویژه در مدح کشورگشایی های صدر اسلام سخنانی شنیده ام متذکر نماید، که اسلام دین شمشیر و کشورگشایی نیست و اتفاقاً هیچگونه سر سازشی نیز با اینگونه پیشرفتهای اقلیمی که نتیجه ای جز ایجاد نفرت از دین و دیانت نداشته اند [10] ندارد. اگر این کشورگشایی ها مناسب بودند، شخص پیامبر بجای ارسال نامه و اعزام پیک و دعوت سران کشورها به اسلام، خود به مقابله ی نظامی با آنان می پرداخت.

نکته ی آخر آنکه «جهاد اسلامی» که از آن به غلط در رسانه های اروپایی بطور اعم و در رسانه های آلمانی زبان به گونه ی اخص به «جنگ مقدس» (Heiliger Krieg) تعبیر می شود در واقع «جنگ تدافعی» (Verteidigungskrieg) است و اسلام به مسلمانان اجازه می دهد در برابر تعدی و تجاوز دیگران امکان دفاع از خود، مال، ناموس و سرزمینشان را داشته باشند و جهاد هرگز شامل تصرف سایر کشورها و اجبار مردم به اسلام و اموری از این قبیل نمی شود.

۱- خواننده ی گرامی را در این باره به کتب ارزشمند و مستند علامه ی محقق سید مرتضی عسکری نظیر: «عبدالله بن سبا و دیگر افسانه های تاریخی»، «نقش ائمه در احیاء دین»، «معالم المدرستین» و سایر آثار ایشان ارجاع می دهیم. با مطالعه ی کتب مذکور خواننده در می یابد که بسیاری از جنگهایی که خاورشناسان با آب و تاب از آنها سخن گفته اند و در آنها از خونریزیهای وحشتناک توسط سپاه اسلام سخن به میان آمده، توسط راویانی نظیر «سیف بن عمر» نقل شده اند و سخنان این فرد کذاب و دیگرانی نظیر وی نیز به مدارک تاریخی دست اول و معتبر اهل سنت از جمله «صحاح سته» راه یافته و منبع استناد خاورشناسان مذکور گردیده است. علامه عسکری در کتابهایش به گونه ای بسیار مستدل اثبات کرده که بسیاری از جنگهایی که سیف بن عمر نقل کرده اصولاً وجود خارجی نداشته اند و یا واقعیت مطلب در بسیاری از آنها با آنچه که سیف نقل کرده تفاوتی اساسی و عمده داشته اند.



کنگره ی بین المللی اخلاق پزشکی به همت مرکز تحقیقات اخلاق و تاریخ پزشکی دانشگاه علوم بهشتی تهران و با همکاری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی برگزار گردید.

دکتر همتی که مدیریت جلسه را نیز بر عهده داشت پس از خیر مقدم و ابراز خوشوقتی از برگزاری این همایش علمی و اهمیت اخلاق پزشکی و تشکر از حضور دانشمندان و پزشکان متخصص، در سخنرانی خویش که تحت عنوان «اتانازی از دیدگاه فلسفه ی اخلاق» انجام شد، نظریات و دیدگاه های اندیشمندان حوزه های: دین، فلسفه، حقوق، پزشکی، جامعه شناسی، زبان شناسی و روان شناسی را به گونه ای مشروح مطرح و به بررسی دیدگاه های آنان پرداختند. ایشان در بخشی از سخنرانی خویش اظهار داشتند: «در روزگار ما پیشرفت تکنولوژی و رشد فزاینده و حیرت آور علوم پزشکی و دیگر علوم طبیعی و دانشهای زیستی معضلات اخلاقی جدیدی را پیش روی متألهان و فیلسوفان قرار داده است و ذهن اندیشمندان جهان را به خود مشغول داشته است. بدینسان رشته های

مسلمانان ایرانی برای اعراب و نبودن حق برای مردان مسلمان ایرانی برای انتخاب همسر از میان زنان عرب مسلمان، از جمله نمونه هایی هستند که بیانگر این واقعیتند که این نوع گسترش دین! و به عبارت بهتر گسترش قدرت شخص حاکم به نام دین و تبعات آن از اساس غلط و در مخالفت با سیره ی نبی اکرم (ص) بوده و ربطی به آموزه های اسلام ندارد.

شرکت رایزن فرهنگی در کنگره بین المللی اخلاق پزشکی و اعطای لوح تقدیر کنگره به ایشان

دکتر همایون همتی رایزن فرهنگی کشورمان در آلمان در «دومین کنگره بین المللی اخلاق پزشکی» شرکت کردند.

بر اساس دعوت برگزار کنندگان دکتر همایون همتی در این کنگره که از ۲۸ تا ۳۰ فروردین ۱۳۸۷ و تحت لوای حدیث رسول مکرّم اسلام (ص): «انما بعثت لاتمم مکارم الاخلاق» یعنی: «همانا من برای به کمال رساندن فضایل اخلاقی برانگیخته شدم» در تهران برگزار شد، شرکت و در آن به سخنرانی و ارائه مقاله پرداختند.



تمام مسلمان جهان درخواست کشتن این نویسنده بعمل آمد و متعاقب آن مترجم این کتاب به قتل رسید و انتشاراتی هایی نیز تهدید شدند.

نقل از پایگاه اینترنتی تلویزیون برلین (fab) به آدرس:

http://www.fab.de/act_33-news_5989-urid_.html

انتشار شماره های جدید اشپکتروم ایران

شماره های ۲ و ۴ از سال ۲۰۰۷ فصلنامه ی فرهنگی رایزنی فرهنگی ایران در آلمان موسوم به اشپکتروم ایران (Spektrum) در نسخه ای و-د منتشر شدند.

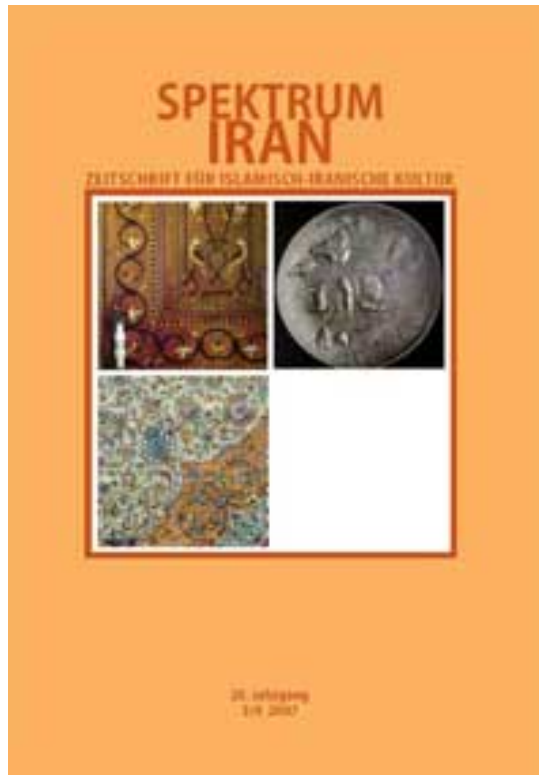
در این شماره ها می خوانید:

یاکوب بومه (Jakob Böhme) و اسلام، تألیف پروفیسور رولاند پیچ (Roland Pietsch)

معنای نبوت، اثر پروفیسور همایون همتی

مدرنیسم بعنوان فرهنگ یکطرفه، تألیف دکتر غلامعلی همایون

شرق میان واقعیت و شعر، تألیف آنتوان و آندره سوروگیان (Antoine und AndreSevrugian)



تحقیقاتی جدیدی به عنوان «اخلاق زیستی»^۱ و نیز «اخلاق پزشکی»^۲ به خصوص از دهه ۱۹۶۰ در جهان پدید آمده است که از پویایی و بالندگی خاصی برخوردار گشته است و آثار، کتابها، مقاله ها ، مصاحبه ها، سمینارها، کنفرانس های زیادی به این رشته اختصاص یافته و رونق و رواج شگفت انگیزی در اینمورد مشاهده می شود. اکنون دهها و صدها نشریه در این مورد در جهان منتشر می شود و انستیتوها، آکادمی ها ، سازمان ها ، دپارتمان ها، مراکز علمی و پژوهشگاهها و سایت های اینترنتی فراوانی در سرتاسر جهان به تحقیق و بررسی در این حوزه اشتغال دارند». ایشان به طرح دیدگاههای «پیتر سینگر» و «جیمز راشلز»، دو تن از فیلسوفان اخلاق معاصر که در زمینه اتانازی آثاری دارند پرداخته و با نظرگاهی نقادانه به ارزیابی دلایل آنان پرداخته و در پایان اتانازی را مغایر اصل قداست حیات و کرامت انسان و آموزشهای ادیان، بخصوص دین مبین اسلام دانست. بعد از سخنرانی نیز قریب دو ساعت پرسش و پاسخ حاضران با ایشان انجام شد که بحثهای بسیار جذاب و مفیدی صورت گرفت.

نمایش تئاتر آیات شیطانی در آلمان

پلیس آلمان نمایش تئاتری را از کتاب «آیات شیطانی» سلمان رشدی در روز یکشنبه ۳۰ مارس ۲۰۰۸ در شهر «پتسدام» (Potsdam) با تقویت نیروی حفاظتی خویش پشتیبانی می کند.

این خبر را سخنگوی «تئاتر هانس اتو» (Hans Otto Theater) اعلام کرد.

«اووه اریک لوفنبرگ» (Uwe Eric Laufenberg) مدیر تئاتر مذکور در مصاحبه با «برلینر سایتونگ» (Berliner Zeitung) اظهار داشت: «خود سلمان رشدی برای افتتاح اولین سنانس این نمایش به پتسدام دعوت شده است».

پس از توصیف محمد {ص} در رمان رشدی، از سوی رهبر حکومت ایران {امام} خمینی در سال ۱۹۸۹ فتوایی درباره ی وی صادر شد. بر اساس فتوای مذکور از

¹ - Bio Ethics

² - Medical Ethics

استقبال چشمگیر از نمایشگاه آثار «سیله» در

برلین

«نمایشگاه هینریش سیله» (Heinrich-Zille-Ausstellung) در «آکادمی هنرهای برلین» (Der Berliner Akademie der Künste)، با استقبال چشمگیر مردم مواجه شد.

برابر اعلام سخنگوی «آکادمی هنرهای برلین» در مصاحبه با «اینفو رادیو برلین براندنبورگ» (rbb-Inforadio)، این نمایشگاه توانست ۵۰ هزار بازدید کننده را به خود جلب نماید.

نمایشگاه مذکور در دهم ژانویه ۲۰۰۸ به مناسب یکصد و پنجاهمین سالروز تولد «هینریش سیله»، نقاش و گرافیست مشهور افتتاح شد و در روز دوشنبه ۲۴ مارس به کار خویش پایان داد.

این نمایشگاه با عرضه ۳۵۰ اثر از «سیله»، برای اولین بار کلیه آثار این هنرمند را به نمایش گذاشت.

«سیله» که شهروند افتخاری برلین بود و برخی از آثار وی مضامین اجتماعی-انتقادی داشت، در نهم اوت سال ۱۹۳۹ در سن ۷۱ سالگی بدرود حیات گفت.

نقل از پایگاه اینترنتی تلویزیون برلین (fab) به آدرس:

http://www.fab.de/act_33-news_5979-urid_.html

نمایشگاه آموزش در پتسدام

امروز جمعه ۲۸ مارس ۲۰۰۸ سیزدهمین «نمایشگاه آموزش» (Bildungsmesse) در شهر «پتسدام» آلمان برپا می شود.

به گزارش «اینفورادیو برلین-براندنبورگ» (rbb-Inforadio)، «تسهیل انتخاب رشته ی تحصیلی و شغل» و نیز «تبلیغات توسط پست الکترونیکی، با شعار درباره ی چه چیزهایی باید مشاوره کرد؟» از شعارهای محوری این نمایشگاه هستند.

قریب به ۹۰ مشارکت کننده امکانات خود را در این نمایشگاه که در «مدرسه ی عالی پتسدام»

(Die Fachhochschule Potsdam) برگزار می گردد، ارائه می کنند و اطلاعات مربوط به افزایش کیفی استعدادها، ادامه ی تحصیل و مشاوره در این موارد نیز در محل «مرکز گفتگوهای شهرداری قدیمی پتسدام» (Im Alten Rathaus Potsdam-Forum) ارائه می شود.

برگزار کنندگان این نمایشگاه در انتظار بازدید ۵ هزار نفر علاقمند به کسب اطلاعات درباره ی آموزش های حرفه ای از این نمایشگاه هستند.

نقل از پایگاه اینترنتی تلویزیون برلین (fab) به آدرس:

http://www.fab.de/act_33-news_5997-urid_.html

دیدار دکتر تربیل با رایزن فرهنگی

«دکتر آرمین تربیل» (Dr. Armin Triebel) رییس «محفل پژوهشی علوم اجتماعی چشم اندازه‌های میان فرهنگی» (Sozialwissenschaftlicher Studienkreis für interkulturelle Perspektiven) موسوم به «اس.اس.آی.پی» (SSIP)، روز سه شنبه ۲۸ اسفند ماه ۲۰۰۸ با پرفسور دکتر همایون همتی رایزن فرهنگی کشورمان در آلمان دیدار و گفتگو کرد.

در ابتدای این دیدار «دکتر تربیل» به شرحی پیرامون سابقه همکاری‌های آکادمیک و پژوهشی خویش با دانشگاه‌ها و مؤسسات ایرانی پرداخت و جز یک نمونه، کلیه‌ی این همکاری‌ها را مفید و ارزنده توصیف کرد.

پروفسور همتی نیز ضمن خوشامدگویی و خیر مقدم به ایشان اظهار داشت که اصولاً اینگونه همکاری‌ها باید با رایزنی‌های فرهنگی که به لحاظ شناخت خود از هر دو طرف حلقه‌ی واصل و مرتبط کننده‌ی طرفهای همکاری در زمینه‌های دانشگاهی و فرهنگی با هم هستند انجام پذیرد، تا هم نتایج کیفی مطلوب‌تری حاصل شود و هم طرفین در مدت زمانی کوتاه‌تر به اهداف از پیش تعیین شده‌ی خویش نایل شوند.

«دکتر تربیل» علاقمندی مؤسسه‌ی خویش را برای ادامه‌ی همکاری‌های علمی و پژوهشی با مدارس عالی و دانشگاه‌های ایرانی ابراز داشت و درخواست کرد تا رایزنی فرهنگی کشورمان در آلمان بر اینگونه فعالیت‌ها ناظر باشد و آنها را جهت دهی و سازمان دهی نماید.

پروفسور همتی نیز ضمن برشمردن پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های بالفعل و بالقوه‌ی موجود برای همکاری میان نهادهای دانشگاهی و فرهنگی کشورمان با مؤسسه‌ی «اس.اس.آی.پی»، آمادگی کامل رایزنی فرهنگی را جهت ارائه‌ی هرگونه کمک و مرتبط ساختن پژوهشگرانی که توسط مؤسسه‌ی مذکور معرفی می‌شوند با دانشگاه‌های ایرانی ابراز داشت.

رایزن فرهنگی کشورمان ضمن ابراز تأسف از مورد ناموفق پدید آمده برای «دکتر تربیل»، که متأسفانه بدون هماهنگی با رایزنی فرهنگی کشورمان در آلمان واقع

شده بود، اظهار داشتند: «برای اجتناب از تکرار اینگونه موارد، کادر علمی و همکاران فاضل رایزنی فرهنگی ما در آلمان می‌توانند اطلاعات مفید فایده‌ای را در اختیار شما بگذارند و شما را در راه برقراری مراودات سودمند علمی با نهادهای ذربط ایرانی یاری نمایند».

آقای پروفسور همتی افزودند: «بعضی‌های مربوط به تئوری‌های حوزه‌های علوم انسانی، اجتماعی، سیاسی، عرفانی و فلسفی در ایران بسیار شکوفا، فعال و به روز است و این امکان در اختیار شما قرار دارد تا فرهیختگان، اندیشمندان و دانشجویان آلمانی را با این گونه مباحث زنده و دانشگاه‌ها و مؤسسات عرضه کننده‌ی این موضوعات در ایران آشنا سازید، حتی اساتید و مدرسان دانشگاه‌های آلمان می‌توانند دوره‌های کوتاه مدت، میان مدت و بلند مدتی را در مباحث اسلام شناسی معاصر و تازه‌ترین نظریه‌های مطرح در زمینه‌های هستی‌شناسی، معرفت‌شناسی، اخلاق و بطور کلی فلسفه و عرفان در ایران طی کنند و بدین ترتیب اطلاعات خویش را به روز نمایند».

«دکتر تربیل» با اشاره به تجربیات خوب و سودمندی که از موارد متعدد همکاری با دانشگاه‌های ایرانی داشته، اظهار امیدواری کرد که وقفه‌ی پدید آمده در این نوع همکاری‌ها با یاری و مساعدت رایزنی فرهنگی ایران در آلمان مرتفع شود و این همکاری‌های علمی به گونه‌ای مستمر جریان یابد.

پروفسور همتی نیز بر آمادگی رایزنی فرهنگی در جهت ارتباط دادن اساتید دانشگاه‌ها و پژوهشگران و نیز افراد یا گروه‌های شاغل به تحصیل در مقاطع فوق لیسانس و دکتری، که علاقمند به فراگیری الهیات، بررسی تطبیقی علوم ادیان، معرفت‌شناسی و هرمنوتیک هستند و مرتبط ساختن آنان با دانشگاه‌ها و پژوهشکده‌های ذربط در ایران را مورد تأکید قرار داد، که بسیار مورد استقبال «دکتر تربیل» قرار گرفت و مقرر شد ایشان، لیست و شرح مختصر زندگانی و فعالیت‌های علمی متقاضیان مربوطه را به رایزنی فرهنگی کشورمان در آلمان ارسال نماید.

در نشست مذکور همچنین اعلام گردید که در صورت انجام موفقیت آمیز مراحل آشنایی مؤسسه‌ی «اس.اس.آی.پی» با دانشگاه‌های ایرانی و انعقاد قرارداد با آنان، می‌توان از «خدمات مبادله‌ی آکادمیکی آلمان» (DAAD)، پشتیبانی‌هایی نظیر دریافت هزینه‌ی بلیت هواپیما را متوقع بود.

پروفسور همتی ضمناً اعلام کرد که دانشگاه هایی در ایران برای به روز کردن اطلاعات و آگاهی های اساتید و مدرسان خویش مایلند تا از اساتید آلمانی برای دوره های کوتاه و بلند مدت دعوت بعمل آورند تا در قالب سمینارهای کوتاه مدت و یا حتی به شکل نیمسال های دانشگاهی، در زمینه ی موضوعاتی نظیر: پست مدرنیسم، فلسفه ی اخلاق، هرمنوتیک، کلام جدید سخن بگویند و شاگردان فلاسفه و الاهدان هایی مثل «کارل رانر» و «کارل بارت»، اگر بتوانند در زمینه های مذکور در ایران تدریس نمایند، می توان در این خصوص اقدام کرد و مقدمات را مهیا ساخت.

رایزن فرهنگی کشورمان همچنین با اشاره به برگزاری کنگره ها و جلسات سخنرانی در دانشگاه ها و مراکز علمی، این مورد را نیز برای «دکتر تربیل» قابل توجه و بررسی دانست، تا در زمینه ی معرفی سخنران و استاد برای سخنرانی ها اقدام نمایند.

پروفسور همتی در عین حال با اشاره به انتشار فصلنامه های دوزبانه ی وزین در ایران، که مقاله های علمی و قابل قبولی مطابق استانداردهای علمی بین المللی «I.S.I» ارسال می دارند، این مورد را نیز برای همکاری های مشترک قابل توجه دانست، تا با ارائه ی مقاله از سوی همکاران مؤسسه ی «اس.اس.آی.پی» به نشریات مذکور، جلوه ی دیگری از همکاری های علمی آنان با ایران محقق شود.

ایشان در عین حال اظهار داشتند که در پایان کنگره ها و سمینارها کتابچه های مربوطه، شامل سخنرانی ها و اطلاعات مرتبط با موضوعات اینگونه همایش ها به چاپ می رسند، این مورد نیز برای انجام کار مشترک قابل بررسی و تأمل است.

«دکتر تربیل» با استقبال از کلیه ی پیشنهادهای پروفسور همتی، ملاقات با ایشان را بسیار مثمر ثمر، سرشار از اطلاعات و جهت دهنده برای فعالیت های آتی مؤسسه ی خویش توصیف کرد.